

گزارش: زهرا نظری
کارشناس ارشد مشاوره‌ی خانواده

گزارش اولین همایش رسانه، اعتیاد، سلامت اجتماعی

به طوری که شهردار محترم تهران در بخش شهری مطرح کردند که در حال گذار از سمت و سوی سازمان خدماتی به سوی نهاد اجتماعی هستیم و همه‌ی توان خود را باید به کار گیریم تا هم به تعهدات خود در ارتباط با زندگی خوب شهروندان عمل کنیم و هم شهروندان متوجه تحولات خوب در شهر شوند.

ایشان در بخش دیگری از سخنان خود خاطرنشان کردند که امروز اعتیاد فقط گریبان‌گیر طبقه محروم نیست بلکه طبقات مرفه هم با آن درگیر است. لازم است که در این ارتباط هم‌اندیشی کنیم و فکرهای برتر را به کار گیریم و

درگیر می‌کند. در واقع اعتیاد هم فرد را مبتلا می‌کند و هم سلامت اجتماعی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.»

سپس مهندس پشمچی‌زاد، شهردار منطقه‌ی ۷ تهران ضمن تشکر از اصحاب رسانه و جراید که دین خود را نسبت به مباحث اجتماعی و موضوعات فرهنگی ادا می‌کنند، اظهار داشتند برای اداره‌ی مطلوب شهر با کیفیت مناسب و هزینه معقول، حتماً باید بخش قابل توجهی از فعالیت‌ها را در زمینه اجتماعی هدایت کنند و منابع را به سمت آن سوق بدهند؛ این تصمیم در مدیریت شهری در چند سال اخیر نمود روشن و مشخصی داشته

اولین همایش رسانه، اعتیاد و سلامت اجتماعی در تاریخ ۲۲ تیر ۸۹ با همکاری شهرداری منطقه‌ی ۷، وزارت بهداشت و دانشگاه علوم پزشکی تهران در باشگاه جهان‌دیدگان خاقانی برگزار شد.

در آغاز همایش دکتر تأملی مشاور معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی تهران با اشاره به آمار منتشره در رسانه‌ها، اظهار داشتند: آمار رسمی در مورد افراد مبتلا به اعتیاد در منابع مختلف از ۱۴۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰۰ نفر و آمار غیررسمی تا ۴۰۰۰۰۰۰ نفر گزارش شده است. فرد معتاد هم خودش و هم خانواده جمعیتی را که با او زندگی می‌کنند،



که در آستانه‌ی اعتیاد هستند توصیه می‌شود.

در مورد فیلم‌های سینمایی، مشخص‌ترین فیلم سینمای ایران در زمینه‌ی اعتیاد فیلم «گوزن‌ها» است. این فیلم اهمیت تاریخی دارد و در پیشگیری از اعتیاد نقش خوبی داشته و اثرگذار بوده، هنرپیشه‌ی این فیلم بازی بسیار خوبی ارائه کرده است با کمی دقت‌نظر متوجه می‌شویم که هنرپیشگان سینما باید درست‌گرم شوند و تصاویر فرسودگی ناشی از اعتیاد به خوبی نمایش داده شود. هر اندازه که تخریب چهره هنرپیشه‌ها بیش‌تر توسط گرم‌نمایانده شود می‌تواند نقش پیشگیرانه‌تری داشته باشد.

- در فیلم «تاراج»، فردی را برای ترک اعتیادش به زیرزمین می‌اندازند که به نظر من جنبه‌ی بدآموزی آن بیش‌تر از جنبه‌های مثبت آن است، در فیلم یاد شده استفاده از مواد مخدر به وضوح نمایش داده می‌شود.

مسعود کیمیایی فیلم‌های زیادی در زمینه‌ی اعتیاد ساخته است که از جمله می‌توان به «تیغ و ابریشم» اشاره کرد. فیلم‌سازان اندکی در زمینه‌ی اعتیاد کار کرده‌اند. در فیلم تیغ و ابریشم خانم فریماه فرجامی نقش یک معتاد را خیلی خوب بازی کرده است.

- در مورد سریال‌ها، سریال «آینه‌ی عبرت» در چند سری ساخته شد و در زمان پخش خیلی طرفدار داشت که بیشتر به علت بازی خوب جواد گلپایگانی بود. سریال آینه‌ی عبرت جای بحث دارد. این سریال جنبه‌ی بدآموزی دارد. رسول توکلی یکی از بازیکنان این سریال به دلیل بدآموزی آن از ادامه بازی در این سریال صرف‌نظر کرد. چون «آقا تقی» شخصیت

شهرداری از جمله دستگاه‌های اجرایی است که می‌تواند با استفاده از موضوعات به نقش‌پذیری خود ادامه دهد.

سخنران بعدی دکتر خرازیها مدیر گروه سلامت روانی و اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی تهران بود که ضمن خیرمقدم به حضار به نمایش اسلایدهای منتخب در رابطه با اعتیاد پرداختند و مروری کوتاه بر محصولات رسانه‌ای در رابطه با اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی داشتند - اسلایدهای اولیه شامل ژست‌های مختلف افراد با سیگار بود، وی سیگار را دروازه ورود به اعتیاد دانست و بیان نمود که اهالی رسانه از دود سیگار خوششان می‌آید. کسانی که عکاسی می‌کنند (عکاسان) از سیگار برای جذابیت استفاده می‌کنند.

ژست‌های همراه با سیگار جنبه مشوق دارند و هیچ‌گاه جنبه پیشگیری از اعتیاد نداشتند و جنبه نوآوری دارند.

مهران مدیری در فیلم «همیشه پای یک زن در میان است» همیشه سیگار برگ بر لب داشت، می‌دانیم که تکیه کلام‌های وی در برنامه‌های تلویزیونی ورد زبان بچه‌ها و مردم شده است.

- چهره‌های موزیک پاپ POP (چهره داریوش) قبل از انقلاب سمبول اعتیاد و بعد از انقلاب سمبول مبارزه با اعتیاد است.

- در عالم سیاست و فلسفه افرادی هستند که ژست‌هایی با سیگار دارند.

- مارادونا فوتبالیست محبوب سیگار به لب دارد و در کاریکاتورها سیگار به لب دارد و یا کوکائین مصرف می‌کند.

- در ادبیات خودمان در دهه‌ی ۳۰ و ۴۰ در کتاب «امشب اشکی می‌ریزد» معضل اعتیاد به خوبی پرداخته شد. این کتاب می‌تواند نقش پیشگیرانه داشته باشد، و مطالعه‌ی این کتاب به کسانی

معتادی است که حلال مشکلات و مغز متفکر است در حالی که بنابر واقعیت، معتاد نباید قهرمان‌نمایی شود.

در فیلم «شلیک نهایی»، رضا کیانیان نقش یک معتاد را خیلی خوب بازی کرده است. صرفاً گرم نیست بلکه بازی کردن هم مهم است.

سریال «تب سرد»، به مسأله حشیش می‌پرداخت که داستانی در مورد بچه دزدی داشت و پس از آن، گروه بچه‌زدها می‌گفتند به تقلید از یک سریال تلویزیونی این کار را کردیم، ببینید رسانه چقدر می‌تواند آسیب‌زا یا آسیب‌زدا باشد، رسانه هم می‌تواند اعتیادزدا و هم اعتیادزا باشد. فیلم «شمعی در باد»، دارای بدآموزی‌های زیادی است، در این فیلم بهرام رادان و شهاب حسینی بازی می‌کنند. بهرام رادان در سینمای ایران ستاره (Star) است و ژست‌های او با سیگار بسیار بدآموزی دارد. در جریان فیلم هر کدام از هنرپیشه‌ها نوعی مواد محرک و مخدر استفاده می‌کند و یا یکی به ایدز مبتلا می‌شود. در این فیلم حوزه‌های مختلف اعتیاد نمایش داده می‌شود.

فیلم «سربازهای جمعه» ساخته‌ی مسعود کیمیایی با بازی موفق خانم

در آمریکا روزانه ۱۰۸۰ نفر تحت تأثیر فیلم‌هایی که هنرپیشه‌های آن سیگار می‌کشند به دخانیات علاقه‌مند می‌شوند

فولادوند صحنه‌های بسیاری از تزریق را نشان می‌دهد. در این فیلم صحنه‌ای هست که خانم فولادوند با دندان تزریق می‌کند او از نادر بازگرانی است که نقش معتاد را خوب بازی می‌کند و می‌درخشد.

در فیلم «مهمان مامان»، پارسا پیروزفر نقش یک معتاد حلال مشکلات را بازی می‌کند که این فیلم خیلی بدآموزی دارد و به اعتیاد تشویق می‌کند. فرد معتاد همه‌کاره است و در جاهایی مغز متفکر محسوب می‌شود.

فیلم «شبانه»، از اولین فیلم‌هایی است که اعتیاد به مواد محرک را بیان می‌کند و از دریچه‌ی چشم معتاد مناظر را نشان می‌دهد، متأسفانه تا این فیلم‌ها جا نيفتند و معرفی نشوند مردم استقبال نمی‌کنند و به هرز می‌روند و دیده نمی‌شوند در صورتی که فیلم «شبانه» فیلم مهمی است.

فیلم «سنتوری»، این فیلم بدآموزی‌های بسیاری دارد. پیام پنهان فیلم این است که اعتیاد می‌تواند خلاقیت‌زا باشد. ما در ادامه‌ی همایش در پانل از خانم دکتر مستشاری می‌پرسیم که آیا ماده محرک می‌تواند خلاقیت‌زا باشد یا نه - ژست‌ها در این فیلم جنبه مشوق دارد، سرنگ مثل سیگار، در دست هنرپیشه‌ی فیلم است. یک صحنه قابل بحث در فیلم

سنتوری این است که فرد معتاد را در بیمارستان روان‌پزشکی بستری کرده و او را ECT یا الکتروشوک‌تراپی می‌کنند. الکتروشوک‌تراپی اساساً جزء درمان‌های اعتیاد نیست و این روش مردود و غلط است.

سینما هم می‌تواند پیام‌های بهداشتی را تقویت کند و هم تخریب کند. با نمایش این صحنه، معتاد فکر می‌کند که استفاده از شوک برق اعتیادش را بهبود می‌بخشد، نمایش این تصاویر نشان می‌دهد که دریافت آن‌ها با متخصصان، ذی‌ربط مشاوره‌ای صورت نگرفته است و اگر بخواهیم چنین اشتباهی علمی فاحشی در سینما و تلویزیون پیش نیاید باید قانونمند کردن لزوم مجوز مشاوره‌ی طبی از انجمن‌های روان‌شناسی و نظام مشاوره و متخصصین مربوطه این حوزه را جدی بگیریم، صحنه‌هایی که معتاد را در حالت آشفته نشان بدهد خیلی جنبه خوبی دارد اما اگر در حالت آرامش و یا کامیاب نشان داده شود جنبه بدآموزی دارد.

فیلم «رئیس»، ساخته مسعود کیمیایی با بازی لعیا زنگنه در نقش یک معتاد تزریقی، به مسئله اعتیاد پرداخته و فیلم «خون بازی»، ساخته‌ی رخشان بنی‌اعتماد یک تصویر واقعی از دختری معتاد و جوان از قشر مرفه را نشان داده است. فیلم خون‌بازی به واقعیت خیلی نزدیک است. خانم بنی‌اعتماد اهل پژوهش و تحقیق است. در جریان تحقیق، افراد معتاد به خانم بنی‌اعتماد گفتند که نگرش‌های آن‌ها تحت تأثیر سریال آئینه عبرت تغییر کرده و این سریال بدآموز بوده است، به هر حال خون بازی فیلم قابل بحثی است.

سریال «بزن‌گاہ» بچه‌های کوچک را

هم البته به‌طور غیرمستقیم در جریان استعمال مواد مخدر وارد کرده بود، رضا عطاران به دخترش می‌گفت برو چیز (نبات) را برای من بیاور، همچنین در یکی از صحنه‌ها استعمال مواد مخدر را در ماشین نشان می‌داد که این صحنه در واقع به فرد معتاد می‌گوید اگر در خانه نمی‌توانی، در ماشین این کار را انجام بده. این سریال نقش فوق‌العاده بدآموزی داشت.

- در سریال «مرگ تدریجی یک رویا»، ستاره اسکندری نقش یک دختر الکلیک را بازی می‌کند و از معدود مواردی است که یک خانم در تلویزیون ایران نقش الکلیک را بازی می‌کند. شاید در دهه ۶۰ و ۷۰ تصور چنین نقشی ناممکن بود که چنین شخصی بر روی پرده جان بگیرد. - در سریال «به کجا چنین شتابان» با سیگار کشیدن‌های خانم نگین صدق گویا و آرایش آن چنانی خیلی سروصدا به پا کرد.

- سریال «کلانتر ۳» از جمله سریال‌هایی است که قرار است در پانل بحث شود و فوق‌العاده سریال مخربی است، این سریال علناً صحنه‌های خودکشی و استعمال مواد مخدر و قصد تجاوز به یک دختر جوان را نشان می‌دهد و به این ترتیب برخلاف جهت سیاست‌گذاری‌های پیشگیری HIV (ایدز) حرکت می‌کند و کاملاً اطلاعات غلط در مورد HIV به بیننده‌ها می‌دهد. از نماینده‌ی شورای سیاست‌گذاری صدا و سیما می‌پرسیم که چرا این سریال به سری ۳ رسیده و من مطمئنم که به سری ۴ هم خواهد رسید. هر چند که به دور از انصاف است اگر نگوییم به لحاظ ساختاری و مضمونی آقای شاه‌محمدی خیلی پخته

عمل کرده‌اند.

- در سریال «تاوان»، صحنه‌های استعمال مواد مخدر و آسیب‌های اجتماعی خیلی بدمعکس می‌شود. دوستان غیررسانه‌ای دقت کنند زمان چاپ بروشورهای پیش‌پا افتاده، گذشته و الان وقت این است که اهالی بهداشت و درمان به سراغ رسانه‌ها بروند و تصاویر جذاب ایجاد کنند. بعد از بیانات دکتر خراز‌یها اعضای پانل، خانم دکتر مستشاری، روان‌پزشک و کارشناس کاهش تقاضای دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر سازمان ملل؛ دکتر مجید خلیفه سلطانی، نماینده شورای سیاست‌گذاری سلامت صداوسیما و دکتر خراز‌یها به بحث و بررسی پیرامون اسلایدهای منتخب نمایش داده شده پرداختند.

دکتر خلیفه سلطانی ضمن تشکر از بانیان همایش بیان نمودند، این که رسانه‌ها می‌توانند فرصت یا تهدیدی برای گفتن موضوعات سلامتی باشند فرصت بسیار خوبی است. امیدوارم که جرقه‌ی زده شده مستدام باشد و کارهای بهتری صورت بگیرد. من به تمام انتقاداتی که جامعه بهداشتی به رسانه دارد کاملاً آگاهم، بر نقاط ضعف و قوت رسانه‌ها تقریباً اشراف دارم، و از دخانیات شروع می‌کنم؛ مطلبی را درباره تمام کروز خواندم، عینکی را که تمام کروز در فیلمی به چشم زده بود، فروش آن در آن سال بالا رفت. سالانه ۸۰۰۰۰۰ آمریکایی به علت بیماری قلبی ناشی از سیگار می‌میرند.

اگر در آمریکا روزانه ۱۰۸۰ نفر تحت تأثیر فیلم‌هایی که هنرپیشه‌های آن سیگار می‌کشند به دخانیات علاقه‌مند شوند می‌توانید به عمق این فاجعه پی ببرید. تحقیق‌ها نشان داده که روزانه

سینما می‌تواند ۶۰۰۰ کودک را به دخانیات علاقه‌مند کند. در سال ۲۰۰۳ از انبوه فیلم‌های پر فروش در آمریکا تنها یک فیلم کار تونی بود که صحنه دخانیات نداشتند، استفاده از سیگار در تمام دنیا در رسانه‌ها وجود دارد. این مشکل در ایران هم هست و من می‌پذیرم، اگر بین صداوسیما و سینما مقایسه کنیم مشکلاتی که در سینما وجود دارد بیش‌تر از صداوسیماست. در این که سریال آینه عبرت سریال بدآموزی بود متفق‌القولیم در سال‌های ۶۵-۶۶ که این سریال پخش شد شاید این قدر عمیق نگاه نمی‌شد، هنرمندان سعی می‌کردند مشکلات را بیان کنند ولی نحوه بیان کردن را بلد نبودند.

دکتر مستشاری در رابطه با گزارش‌های مستند پخش شده از سیمای جمهوری اسلامی اشاره کردند که خیلی از گزارش‌های مستند ما مشکلاتی دارند، یکی از مشکلات اصلی این است که با شطرنجی کردن صورت فرد، در واقع هویت‌زدایی می‌کنند، انگار که ما می‌خواهیم این افراد را که بخشی از انسان‌های این جامعه هستند و دارای مشکلات جدی‌اند انکار کنیم، این انکار و پاک کردن صورت مسئله ممکن است به ما کمک نکند، ضمن این که جنبه مثبت آن، این است که صورت فرد نباید نشان داده شود، ما حق نداریم صورت فرد را در هر وضعیتی نشان دهیم این از حقوق مسلم فردی است اما، شطرنجی کردن تکنیک خوبی نیست.

بعضی وقت‌ها ما آخر خط را نشان می‌دهیم، به نظر می‌رسد که این تنها سناریویی است که در صداوسیما استفاده می‌شود و به نظر می‌آید کارآیی‌اش

با شطرنجی کردن صورت فرد، درواقع هویت‌زدایی می‌کنند، انگار که ما می‌خواهیم این افراد را که بخشی از انسان‌های این جامعه هستند و دارای مشکلات جدی‌اند انکار کنیم

بالاتر از آن چیزی هست که تخمین زده می‌شود. به نظر می‌رسد که پیشگیری اولیه اثربخش‌تر از پیشگیری‌های بعدی است که آخر خط را نشان می‌دهد. این سناریوها خیلی تکرار می‌شود وقتی که چیزی زیاد تکرار شد حواس ما دیگر آن را خوب نمی‌گیرد، توجه کنید اگر صدایی مدام به گوش ما برسد دیگر ما به آن توجه نمی‌کنیم و حواس ما آن بخش را از سیستم مرکزی پردازش اطلاعات حذف می‌کند.

در ادامه همایش، دکتر مستشاری شیوه‌های صحیح پیشگیری از انتقال ویروس ایدز را توضیح دادند. ایشان گفتند: «زن و شوهری که در ارتباط مستمر مسائل زناشویی هستند اگر از وسایل طبی استفاده کنند ایدز را منتقل نمی‌کنند، اقداماتی در مورد جنین می‌توان انجام داد که ویروس HIV به جنین منتقل نشود. HIV گرفتن به معنی ایدز نیست. HIV سال‌ها طول می‌کشد به ایدز برسد. به نظر می‌آید که اگر برنامه‌ریزی کنیم، هدف را روشن کنیم و این که بدانیم چه پیامی به مخاطب می‌خواهیم بدهیم و با تحقیق و پژوهش پیش برویم می‌توانیم الگویی موفق ارائه دهیم. به عنوان مثال در فیلم «زیر پوست شهر» تحقیق میدانی قومی صورت گرفته بود و یا در فیلم «خون



۸۵٪ مردم اهل تماشای تلویزیون هستند، تلویزیون یکی از پرنفوذترین و پراعتبارترین رسانه‌ها است

بازی» خانم کوثری چندین جلسه در جلسات معتادان گمنام حضور داشتند و از نزدیک بیماری اعتیاد را حس کردند و بازی موفقی را ارائه دادند.

سؤال من این است در بازاریابی رسانه‌های نقش سلامت در کجای صداوسیماست و به چه ترتیب نمودار می‌شود و چگونه می‌توان آن را در اولویت قرار داد. صحنه‌های مصرف مواد و تجاوز به عفت به راحتی نمایش داده می‌شود اما خانواده محوری، عشق بین زن و شوهر کمتر نشان داده می‌شود، بهتر است در مسیرهای سالم‌تر حرکت کنیم، سلامت برای بیننده از مسائل مهم است و کالای سلامت قابل عرضه است و کالای بی‌خریداری نیست و نهایتاً یکی از غرایز مهم مادر جهان زنده ماندن است و اگر کسی بفهمد که چطور بهتر زنده بماند، کیفیت زندگی را بالا ببرد و سالم‌تر زندگی کند قطعاً این کالا را خریداری می‌کند. ارائه این کالا به شکل‌های جذاب بسیار مهم است.

در ادامه گردهمایی دکتر خلیفه سلطانی اظهار نمودند که آخرین تحقیقاتی که مطالعه کردم بیش از ۸۰٪ مردم اطلاعاتشان را از تلویزیون می‌گیرند، فراموش نکنیم «تب سرد» یکی از فاخرترین سریال‌ها در مورد ایدز بود. هزاران نفر در صداوسیما مشغول به کارند، یک فیلم‌نامه‌نویس به فکر می‌افتد به ایدز بپردازد، در واقع این که ما این شخص را پیدا کنیم و ذهن او را پالایش

کنیم کاری راحت نیست. الان سلامت، به معنی توانمندسازی آحاد جامعه است. این فرمول برای هنرمندان هم صادق است در مورد تلویزیون خودمان مردم روزانه ۴/۵ ساعت تلویزیون می‌بینند، ۸۵٪ مردم اهل تماشای تلویزیون هستند، تلویزیون یکی از پرنفوذترین و پراعتبارترین رسانه‌ها است. من به راه برون رفت اشاره می‌کنم، اینکه یک پیام رسانه‌ای و موضوع سلامتی در رسانه چطور تولید می‌شود و چه خروجی خواهد داشت، به مشکلات آن هم اشاره می‌شود. پیام براساس بیماری مثل اعتیاد مهم است. این یک پیام خام است، هنرمند فکر می‌کند اگر آن را عریان کند و مستقیم نشان دهد همدردی کرده، در حالی که این پیام در قسمت بهداشتی مضر است. بهتر است که ما به نقد علمی بپردازیم، اگر نقدها بیشتر شود کارگردان‌ها و تهیه‌کننده‌ها هم بیشتر متوجه خواهند شد.

ایشان در ادامه بیان داشتند که این یک اصل بدیهی است، می‌دانم که در زمینه فرهنگ‌سازی در مورد ایدز و مباحث روان، صداوسیما چه قدر زحمت کشیده است اما معضلات مملکت، یکی، دوتا نیست، رسانه‌ها جزئی از آموزش هستند اما همه چیز نیستند و یک ابزارند و هر کس با توجه به علاقمندی خود می‌تواند استفاده کند، یقین داشته باشید اولویت ما سلامت است، اگر اشتباهی رخ می‌دهد شما باید تذکر دهید. بهتر است در بین افراد علمی، هم‌نوابی صورت گیرد، مثلاً در مورد مصرف قرص «ترامادول» علمای بهداشتی می‌گویند اطلاعات بدهیم یا ندهیم و این خطر وجود دارد کسی هم که آن را نمی‌شناسد به مصرف آن رو بیاورد، برداشت مردم متفاوت است من به جنبه مثبت آن پیام اشاره دارم و افراد جنبه منفی آن را دریافت می‌کنند. در رسانه سه عنصر وجود دارد:

پیام، ساختار و مخاطب. شما پیام خام را می‌دهید و می‌گویید در مورد اعتیاد صحبت کنید، شاید همه مثل خانم بنی‌اعتیاد به تحقیق نپردازند، هنرمندان متفاوت عمل می‌کنند.

ایشان در مورد مشاوره گفتند، این که چه کسی مشاوره بدهد مهم است، اجماعی در نظرات مشاورین وجود ندارد. در مورد این که پیام را چه‌طور و چگونه بگوییم، بهتر است مشاورین و متخصصین وارد شوند. آدم‌های علمی باید ما را تقویت کنند، ما باید ضد و نقیض‌گویی در افراد علمی را از بین ببریم و به یک جمع‌بندی برسیم، برای هر پیام رسانه‌ای به سه عنصر اشاره شد که ساختار آن را کارگردان مشخص می‌کند، پیام را افراد بهداشتی باید آماده کنند، محتوا به راحتی در دسترس نیست ما باید بودجه‌هایی صرف آموزش‌های رسانه‌ای بکنیم، صرف این که رسانه را آموزشی بکنیم و بعد سرپرستی آن در دست آدم‌های بهداشتی باشد، باید مشخص شود که کارگردان سواد بهداشتی دارد یا نه؟ بهتر است که افراد بهداشتی نقد کنند و تذکر دهند، ما برای این که محتوا را بگوییم نمی‌توانیم کتاب کاپلان را دست کارگردان بدهیم، شما باید سیاست‌ها و اهداف و اصول رسانه‌ای خود را در هر معضل بهداشتی بیان کنید. چرا در حوزه‌ی ایدز کار قوی‌تر انجام شده، چون دکتر مستشاری بهتر عمل کردند.

سخن پایانی دکتر خلیفه:

به نظر می‌رسد خروجی همایش این باشد که یک تیم فکری تشکیل شود، مخاطبان مشخص شود؛ خردسالان، کودکان، نوجوانان و...، نیازسنجی‌ها صورت بگیرد، خوراک رسانه‌ای در اختیار هنرمندان قرار بگیرد و برای هر مشکل سلامتی (نه فقط ایدز و اعتیاد) خوراک رسانه‌ای مناسب تولید شود.